

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

چارچوب‌ها و جهت‌گیری‌ها

www.ketab.ir

تألیف

علیرضا ازغندی

استاد علم سیاست دانشگاه شهید بهشتی



سرشناسه : از غندی، سیدعلیرضا، ۱۳۲۰ -
 عنوان و نام پدیدآور : سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ چارچوب‌ها و جهت‌گیری‌ها.
 مشخصات نشر : تهران: قومس، ۱۳۹۴.
 مشخصات ظاهری : ۲۹۶ ص، ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
 شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۸۸۱۱-۶۰-۵
 وضعیت فهرست‌نویسی : فنیای مختصر.
 یادداشت : فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است.
 یادداشت : چاپ سوم.
 یادداشت : کتابنامه.
 یادداشت : نمایه.
 شناسه افزوده : عباسی، مهدی، ۱۳۵۴ - . ویراستار.



این کتاب با کاغذ حمایتی چاپ شده است»

نام کتاب: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (چارچوب‌ها و جهت‌گیری‌ها)
 مؤلف: دکتر علیرضا از غندی
 ویراستار: مهدی عباسی
 طراح جلد: محدثه موسوی
 نوبت چاپ: دوم
 سال چاپ: ۱۴۰۱
 شمارگان: ۵۰۰ جلد
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۸۱۱-۶۰-۵
 چاپ و صحافی: سعید دانش
 نشانی ناشر: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، پایین‌تر از لبافی‌نژاد، کوچه بهار، شماره ۱۱
 تلفن و نمابر: ۶۶۴۷۰۱۶۲ - ۶۶۴۷۰۱۵۳ - ۶۶۴۹۱۰۰۰
 قیمت: ۷۰۰,۰۰۰ ریال
www.ghoomes.com

کلیه حقوق چاپ و نشر (افست و الکترونیکی)، تکثیر، نسخه‌برداری و ترجمه برای نشر قومس محفوظ است.
 (استفاده از مطالب کتاب فقط با ذکر مأخذ آزاد است.)

فهرست مطالب

۸

پیشگفتار

بخش اول

جهت‌گیری‌های سیاست خارجی ایران؛
شخصیت‌محور - ایران‌شمول

۱۴

مقدمه

۱۶

فصل اول: مصدق و موازنه منفی

۱۶

مقدمه

۱۷

۱۸

۱- چپستی موازنه منفی

۲۱

۲- موازنه منفی و توازن سیاسی

۲۳

۳- ضرورت تأسیس حکومت ملی- دموکراتیک

۴- استقلال و طرد سلطه خارجی

۲۹

فصل دوم: محمدرضا پهلوی و موازنه مثبت

۲۹

مقدمه

۳۱

۱- ناسیونالیسم مثبت- سیاست مستقل ملی

۳۴

۲- نوسازی فراگیر اجتماعی و توسعه صنعتی

۳۸

۳- ناسیونالیسم مثبت و سیاست خارجی

فصل سوم: سیاست نه شرقی و نه غربی

مقدمه

۱- سیاست نه شرقی و نه غربی به چه معنی است؟

۲- خصوصیات ولایت فقیه به عنوان بالاترین مرجع تصمیم‌گیری

۳- نظم جهانی اسلام و وحدت مسلمین

۴- استکبارستیزی

پانوشته‌های بخش اول

بخش دوم

مکاتب مختلف روابط بین‌الملل و

سیاست خارجی جمهوری اسلامی

مقدمه

فصل چهارم: آرمان‌گرایی

مقدمه

۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی و سیاست خارجی

۲- امت واحد جهان

۳- نفی هر گونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری

۴- میرحسین موسوی و آرمان‌گرایی اسلامی

فصل پنجم: واقع‌گرایی

مقدمه

۱- اصول کلی نظریه واقع‌گرایی از دیدگاه هانس مورگنتا

۲- نوواقع‌گرایی کنت والتز

۳- نوواقع‌گرایی ساختاری و سیاست خارجی جمهوری اسلامی

فصل ششم: سازنده‌گرایی

مقدمه

۱- عوامل ظهور و حضور سازنده‌گرایی در روابط بین‌الملل

۲- رویکرد سازنده‌گرایی در روابط بین‌الملل

- ۳- سازنده‌گرایی از دیدگاه الکساندر ونت ۹۰
 ۴- سیاست خارجی جمهوری اسلامی از دیدگاه رویکرد سازنده‌گرایی ۹۳
 پانوشته‌های بخش دوم ۹۷

بخش سوم جهانی شدن و سیاست خارجی

- مقدمه ۱۰۲
 فصل هفتم: پدیده جهانی شدن ۱۰۴
 ۱- رویکردهای جهانی شدن ۱۰۴
 ۲- تنش‌زدایی ۱۰۷
 فصل هشتم: جهانی شدن و سیاست خارجی ۱۰۹
 ۱- الزامات داخلی ۱۱۰
 ۲- تحمیلات بین‌المللی ۱۱۳
 فصل نهم: جهانی شدن و سیاست‌های اقتصادی ایران ۱۱۹
 ۱- مفهوم جهانی شدن از بُعد اقتصادی ۱۲۰
 ۲- جهانی شدن اقتصاد و کشورهای در حال توسعه ۱۲۳
 ۳- واکنش‌های مالی-اقتصادی ایران ۱۲۶
 پانوشته‌های بخش سوم ۱۳۴

بخش چهارم سیاست خارجی دولت نهم و دهم

- مقدمه ۱۳۸
 ۱- علل و چگونگی به قدرت رسیدن محمود احمدی‌نژاد ۱۴۰
 ۲- مبانی ارزشی کارگزاران جدید حکومتی ۱۴۴
 ۳- دولت نهم و دهم و سیاست خارجی اصول‌گرایانه ۱۴۸
 پانوشته‌های بخش سوم ۱۵۶

بخش پنجم گونه‌شناسی و ویژگی‌های نخبگان وزارت امور خارجه

۱۶۱	مقدمه
۱۶۵	فصل دهم: گونه‌شناسی دیپلمات‌ها
۱۷۸	۱- خاستگاه طبقاتی کارگزاران جدید وزارت امور خارجه
۱۸۲	۲- منشأ اجتماعی دیپلمات‌ها
۱۸۶	۳- ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی نخبگان وزارت امور خارجه
۱۹۱	فصل یازدهم: وضعیت آموزشی و میزان تحصیلات دیپلمات‌ها
۱۹۲	۱- وضعیت دیپلمات‌های ایران عصر ناصری
۱۹۵	۲- چگونگی تأسیس مدرسه تربیت دیپلمات
۱۹۶	۳- دانش‌آموختگان مدرسه سیاسی
۲۰۲	۴- وضعیت آموزشی دیپلمات‌های عصر پهلوی‌ها
۲۰۴	۵- وضعیت آموزشی دیپلمات‌ها در جمهوری اسلامی
۲۰۷	فصل دوازدهم: ساختار و اهداف وزارت امور خارجه
۲۰۷	۱- ساختار و اهداف وزارت امور خارجه در سال‌های قبل از مشروطیت
۲۱۲	۲- ساختار و اهداف وزارت امور خارجه در عصر مشروطیت
۲۱۶	۳- ساختار و اهداف وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی
۲۲۰	پانوشته‌های بخش پنجم

بخش ششم بررسی آثار پژوهشی درباره سیاست خارجی جمهوری اسلامی

۲۲۷	مقدمه
۲۳۰	فصل سیزدهم: پوزیتیویسم، شناخت مسلط پژوهش‌های سیاست خارجی ...
۲۳۰	۱- چیستی پوزیتیویسم
۲۳۱	۲- پوزیتیویسم در روابط بین‌الملل
۲۳۶	۳- پوزیتیویسم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی
۲۴۲	۴- ارزیابی نهایی

فصل چهاردهم: دیدگاه‌های غیر تحصّلی بررسی سیاست خارجی

- ۲۴۴ ۱- رویکرد گفتمانی
- ۲۴۴ الف - گفتمان به چه معنی است؟
- ۲۴۶ ب - از مشاهده عینی تا واکاوی معنا
- ۲۴۸ ج - تحلیل گفتمان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی
- ۲۵۰ ۱. گفتمان ملی‌گرایی مصلحت‌محور
- ۲۵۱ ۲. گفتمان آرمان‌گرایی انقلابی
- ۲۵۲ ۳. گفتمان عمل‌گرایی اقتصادی
- ۲۵۴ ۴. گفتمان عمل‌گرایی سیاسی-فرهنگی
- ۲۵۵ ۲- رویکرد تلفیقی آرمان‌گرایی- واقع‌گرایی
- ۲۵۵ الف - آرمان‌گرایی واقع‌نگر
- ۲۵۹ ب - آرمان‌گرایی واقع‌بینانه
- ۲۶۰ پانویشت‌های بخش ششم
- پیوست
- ۲۶۶ سیدحسین مدرس و بازبینی در سیاست موازنه‌عدمی
- ۲۶۶ مقدمه
- ۲۶۷ موازنه‌عدمی به چه معنی است؟
- ۲۷۰ ۱- اتکا به ملت و مجلس
- ۲۷۱ ۲- اصلاحات صنعتی و علمی
- ۲۷۳ ۳- مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹
- ۲۷۴ ۴- داشتن دیپلمات‌های کارآمد
- ۲۷۵ پانویشت‌ها
- ۲۷۷ □ منابع و مآخذ
- ۲۸۷ □ نمایه

پیشگفتار

هرچند که مناسبات بین ملت‌ها و کشورها و مراودات بین اقوام سابقه‌ای به قدمت تاریخ تشکیل جوامع انسانی دارد، اما اعتقاد بر این است که سیاست خارجی اساساً ماهیتی غربی و جدید و در فرآیند مدرنیته و در پیوند با مبانی و الزامات دولت ملی مطرح و محقق شده است. بدین اعتبار از جهت‌گیری سیاست خارجی باید بدون در نظر گرفتن ماهیت و سنخ و نقش دولت در تطور تاریخی، تدابیر برنامه‌ریزی شده درازمدت تلقی شود که حکومت‌ها در روابطشان با سایر حکومت‌ها، کشورها و سازمان‌ها به کار می‌گیرند و ۲- سیاست خارجی با محوریت قدرت و به مثابه ویژگی جمهوری هر اقدام سیاسی هم‌درگیرنده جهت‌گیری یک کشور و هم حاوی ابزارهای مختلف تحقق موفقیت‌آمیز جهت‌گیری معنی می‌دهد. به عبارت دیگر سیاست خارجی مجموعه خط‌مشی‌ها، تدابیر، گزینش و اتخاذ مواضع و ابزارهایی است که کشورها در برخورد با امور و مسائل خارجی و در چارچوب اهداف کلی حاکم بر نظام سیاسی، یعنی حفظ استقلال و حاکمیت ملی، رفاه عمومی، تأمین امنیت و کسب اعتبار بین‌المللی اعمال می‌نمایند. در واقع سیاست خارجی بخش حائز اهمیتی از سیاست کلان حکومتی را تشکیل می‌دهد که از عرف و عادت و یا از مقررات و قواعد مندرج در قانون اساسی تبعیت خواهد کرد. بنابراین بدیهی است تحت تأثیر دگرگونی‌های اجتماعی اصلاح‌طلبانه و یا انقلابی، سیاست خارجی نیز دستخوش تحول و تغییراتی در اصول، بینش و روش گردد. با در نظر گرفتن تغییرات سیاسی و اجتماعی دگرگون‌ساز و سرنوشت‌سازی که بیش از سه دهه در ایران رخ داده، مطالعه جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی چارچوب و هدف اصلی این کتاب را تشکیل می‌دهد. توجه برخی از کارگزاران حکومتی ایران به بازنگری در مبانی فکری و طرح پرسش‌های

اساسی و تأکید آنان بر ضرورت طرح و تدوین نظرات جدید و تلاش در تطبیق آنها با شرایط و الزامات اجتماعی و سیاسی جامعه ایران از ویژگی‌های بارز تحولات سیاسی در یک قرن اخیر بوده است. با توجه به اینکه محوریت و کانون تمام بحث‌ها را قدرت و چگونگی اعمال آن تشکیل می‌دهد، بدین خاطر عرصه سیاست را باید به مثابه یکی از حوزه‌های کلیدی در بروز وقایع و تحولات سیاسی و اجتماعی ایران و به عنوان یکی از موضوعات مهم منازعات سنت و مدرنیسم تلقی کرد. کوشش‌های دامنه‌دار و جدی که بسیاری از کارگزاران و شخصیت‌های سیاسی با طرح ایده‌ها و نظرات خود جهت دستیابی به جایگاه فرادستی در صحنه سیاست و یا حداقل تأثیرگذاری بر فرآیند تصمیم‌گیری و اجرایی دستگاه حکومتی صورت داده‌اند، در سیاست و روابط خارجی در مراحل و دوره‌های مختلف تاریخی بازتاب‌های گوناگونی داشته است. بدین خاطر برای فهم درست رفتارهای سیاست خارجی و موفقیت و یا ناکامی دستگاه دیپلماسی در تحقق اهداف ملی، لازم است فرایندهای تاریخی و نقش‌های سیاسی را انتقادگونه مورد مذاقه، مطالعه و بررسی قرار داد.

سیاست و روابط خارجی ایران از مشروطیت تا به امروز را به چند دوره با سرفصل‌ها و جهت‌گیری‌های مختلف تقسیم می‌کنند. در دوره اول مشروطیت، (۱۳۰۴-۱۲۸۵) با جامعه‌ای کاملاً بی‌ثبات و روبرو هستیم؛ انقلاب مشروطیت، جنگ جهانی اول و اشغال ایران، مبارزات و قیام سیاسی و نظامی مردم در زمان جنگ و سال‌های پس از آن و بالاخره کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و عواقب و آثار زیانبار این رخدادها، تمامی مانع از طرح‌ریزی اصول مدون جهت‌گیری سیاست خارجی گردید. دوره دوم، یعنی ۱۶ سال سلطنت پهلوی اول (۱۳۲۰-۱۳۰۴) را به صورت خلاصه به دو مرحله، ۱۳۱۲-۱۳۰۴ با سرفصل عادی‌سازی در روابط ایران با سایر کشورها، بویژه با کشورهای همسایه و مرحله ۱۳۲۰-۱۳۱۲ اتحاد و ائتلاف ایران با رایش سوم تقسیم می‌کنند. البته برخی از محققین و تاریخ‌نگاران ایرانی از شروع جنگ جهانی دوم در شهریور ۱۳۱۸ تا اشغال ایران توسط قوای نظامی روسیه و انگلستان در شهریور ۱۳۲۰ به تبع سیاست رسمی رضاشاه از سیاست بی‌طرفی ایران صحبت می‌کنند. ولی به باور نگارنده و براساس اسناد و مدارک موجود، سیاست خارجی ایران در این سال‌ها، استمرار و تداوم همان سیاست اتحاد و ائتلاف با رایش سوم است.^۱

سیاست و روابط خارجی ایران در ۳۷ سال سلطنت پهلوی دوم را می‌توان با اکراه در سه مرحله مورد بررسی قرار داد. ۱- سال‌های جوانی شاه و بی‌ثباتی سیاسی جامعه در

۱. در این زمینه رجوع شود به: علیرضا ازغندی، روابط خارجی ایران ۱۳۲۰-۵۷، چاپ شانزدهم، تهران، نشر قومس، ۱۳۹۳.

سال‌های ۱۳۳۰-۱۳۲۰، که به رغم دارا بودن روابط با کشورهای دیگر، البته متأثر از منافع قدرت‌های برتر خارجی، دستگاه حکومتی فاقد اصول سیاست خارجی مدون است. ۲- دوران بسیار کوتاه صدارت محمد مصدق، از خرداد ۱۳۳۰ تا مرداد ۱۳۳۲ که با ساختار سیاسی تجدیدطلب دموکراتیک در داخل و پیروی از سیاست موازنه منفی با جهان خارج مشخص می‌گردد. رفتار خارجی حکومت در این سال‌ها در واقع خارج از قواعد ساختار بین‌المللی است. ۳- جهت‌گیری سیاست و روابط خارجی ایران در سال‌های بین کودتای ۱۳۳۲ تا انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ براساس واقع‌گرایی است، یعنی از سیاست اتحاد و ائتلاف پیروی می‌کند؛ بدین خاطر وضعیت رفتار خارجی حکومت در این سال‌ها منطبق بر قواعد ساختار بین‌المللی است. ساختار سیاسی داخلی اقتدارگرایی بوروکراتیک اقتضا می‌کرد که حکومت برای ماندگاری سیاست خارجی، خود را با تحولات دگرگون‌ساز در روابط بین‌الملل هماهنگ سازد و به سیاستی تحت عنوان سیاست مستقل ملی روی آورد، که در نهایت به گسترش مناسبات همه‌جانبه با کشورهای غربی با تأکید بر روابط استراتژیک با آمریکا و عادی‌سازی روابط با اسرائیل انجامید.

وقوع انقلاب سال ۱۳۵۷ و استقرار نظام جمهوری اسلامی، سیاست و روابط خارجی محمدرضاشاه را کاملاً دگرگون ساخت. این دگرگونی البته نه تنها از آن جهت است که ساختار سیاسی دچار تحول گسترده و بنیادین شد، بلکه همچنین به خاطر ظهور بازیگران سیاسی جدیدی در صحنه سیاسی و نوع نگرش بسیار منفی آنها نسبت به سرشت و ماهیت نظام بین‌المللی می‌باشد. بعلاوه، سیاست خارجی جمهوری اسلامی برخلاف سیاست خارجی حکومت‌های عصر مشروطیت، برگرفته از آرمان‌های انقلاب و شدیداً بر اصول مکتبی-شیعی متکی است. شخصیت‌محوری و جهان‌شمولی از خصوصیات بارز و مهم دیگر سیاست خارجی جمهوری اسلامی است. بدین معنی نقش بسیار تعیین‌کننده رهبری در فرآیند تصمیم‌گیری و اجرایی، تعقیب اهداف فراملی، بی‌ثباتی سیاسی مستمر داخلی و نگاه عمدتاً امنیتی کارگزاران حکومتی به نظام بین‌الملل و بازیگران اصلی آن، از دیگر ویژگی‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی به شمار می‌آیند. ذکر این نکته نیز ضروری است که اهداف فرا ملی تنها در کشورهای سنتی-ایدئولوژیک نمود دارد، که با توجه به ایده‌ها و آرمان‌های مکتبی حاکم بر جامعه، با دید وسیع‌تر از تأمین منافع ملی، احساس رسالتی فرامرزی می‌نمایند.

در مطالعه و تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی شاهد موضع‌گیری‌ها و رویکردهای مختلفی هستیم که تمامی آنها نشان از آن دارد که حوزه سیاست خارجی مقوله‌ای بسیار پیچیده است که هر تحلیل‌گر و محقق مسائل سیاسی را در تبیین سیاست

خارجی با مشکل مواجه می‌سازد. علت این پیچیدگی آن است که سیاست خارجی از متغیرهای متعدد ذهنی و عینی متأثر است و به عبارتی به صورت مستمر دارای خصلتی تلفیقی از آرمان‌های فلسفی و واقعیات عینی است و بین لحاظ کردن منافع ملی و ملاحظات ایدئولوژیک رفتار شده است. جمهوری اسلامی با تعریف خود به اسلامی بودن، موظف شده تا عناصر دینی و ایدئولوژیک را در جهت‌گیری سیاست خارجی بدون چون و چرا و کم و کاستی لحاظ نماید و از طرف دیگر با جهانی واقع‌گرا، تکاثر طلب روابط داشته باشد. بدین خاطر غیر مترقبه و دور از انتظار نیست که با هر تغییر کابینه و جابجایی مجریان اصلی دستگاه دیپلماسی شاهد گذار سیاست خارجی جمهوری اسلامی از نفی کامل و ستیز جویانه نظام بین‌المللی به رفتار مدارا و مصلحت‌آمیز با آن و از دشمنی با بخش قابل توجهی از اعضا اصلی جامعه بین‌الملل به همکاری با شمار زیاد دیگر باشیم. بویژه آن که نظام سیاسی از زمان تشکیل کابینه محمود احمدی‌نژاد با دوری از عرف جهانی و محیط بین‌المللی و تلاش در احیاء اصول اولیه انقلاب در داخل، دوران جدیدی از زندگی سیاسی خود را آغاز کرد. به هر حال فارغ از ارزش‌گذاری درباره خصوصیات مورد اشاره و تلاطم‌های موجود در اندیشه و رفتار کارگزاران دستگاه دیپلماسی بررسی ابعاد مختلف موضوعات مطروحه، یکی از محورهای مهم این اثر در باب سیاست خارجی جمهوری اسلامی است.

در هر حال اگر بپذیریم که جهت‌گیری سیاست خارجی ماهیتی اساساً مدرن و غربی دارد، آیا کاربست مفاهیم و نظرات دستگاه اندیشه مدرن برای دولت غیر مدرن، مستی- ایدئولوژیک امکان‌پذیر است؟ آیا سیاست خارجی جمهوری اسلامی را باید با نگاهی درون جامعه‌ای و شخصیت‌محور و یا در چارچوب مکاتب روابط بین‌الملل مورد بررسی قرار داد؟ تعیین اهداف و فرآیند تصمیم‌گیری در نظام جمهوری اسلامی چگونه است و براساس اصول مندرج در قانون اساسی در مواجهه با چالش‌ها و بحران‌های پیش روی آن چگونه باید برخورد و اتخاذ تصمیم کرد؟ آیا سیاست خارجی جمهوری اسلامی متأثر از اصول ثابت قانون اساسی، روندی مستمر دارد یا اینکه با تغییر کابینه‌ها و جابجایی کارگزاران دستگاه دیپلماسی دستخوش تغییرات دائمی است؟ و بالاخره آیا تحقیقات و تألیفاتی که تاکنون با عنوان سیاست خارجی انجام گرفته، توانسته‌اند به سؤالات فوق پاسخ دهند و اصولاً این منابع از چه رویکردی بهره گرفته و متأثر از چه معرفتی می‌باشند؟

این کتاب تلاش دارد در شش بخش برای سؤالات مطرح‌شده پاسخی مناسب بیابد. در بخش اول، جهت‌گیری‌های سیاست خارجی ایران در شرایط زمانی مختلف و با نگاه

درون جامعه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرند. می‌خواهیم بدانیم که سیاست خارجی «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» با موازنه منفی و موازنه مثبت که در شرایط مشخصی از تاریخ سیاسی معاصر ایران به مثابه جهت‌گیری سیاست خارجی دنبال شده‌اند، چه نکات اشتراک و افتراق نظری و عملی دارا می‌باشند. در بخش دوم، با بهره‌مندی از مبانی نظری سیاست خارجی و مکاتب مختلف روابط بین‌الملل، جهت‌گیری‌های سیاست خارجی و رفتار کارگزاران دیپلماسی ایران در دودوره ریاست جمهوری اکبر هاشمی رفسنجانی و محمد خاتمی مورد مذاقه قرار می‌گیرند و میزان سازگاری این جهت‌گیری‌ها با مبانی و اصول سیاست خارجی ارزیابی می‌شوند. در بخش سوم به بررسی پدیده جهانی شدن به مثابه یکی از مهمترین متغیرهای تأثیرگذار بر روابط خارجی کشورها از جمله ایران خواهیم پرداخت. با توجه به اینکه سیاست خارجی دولت نهم و دهم از بابت مبانی نظری آن و هم از جنبه رفتاری و کارکردی کارگزاران و هم از حیث ادبیات به کار گرفته شده دیپلمات‌های ایران در گفتگوهای سیاسی دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است، لذا سیاست خارجی دولت محمود احمدی‌نژاد در فصل جداگانه‌ای، یعنی در بخش چهارم مورد بررسی قرار داده‌ایم. پی‌جویی عوامل تأثیرگذار بر فرایند تصمیم‌گیری و اجرای سیاست خارجی از جمله موضوعات مهمی است که از دیرباز ذهن تحلیل‌گران مسایل سیاسی را به خود مشغول داشته است. به عبارت دیگر در روند سیاست خارجی متغیرهای متعددی از جمله مبانی اعتقادی، شرایط ژئوپلیتیک، ساختار و ماهیت نظام بین‌المللی، جمعیت و ترکیب آن و نیازمندی‌های جامعه تأثیرگذارند. این کتاب، ضمن پذیرش نقش تمامی این متغیرها در فرایند تصمیم‌گیری و اجرایی سیاست خارجی بر ماهیت و نقش تحولات بین‌المللی (از جمله جهانی شدن اقتصاد و فرهنگ) و تشکیلات و مجریان اصلی و عالیرتبه وزارت امور خارجه تأکید دارد. بدین خاطر در بخش بعدی تحت عنوان گونه‌شناسی نخبگان، منشأ اجتماعی و ویژگی‌های مأمورین عالیرتبه وزارت خارجه و تغییر و تحولات اداری و سازمانی دستگاه دیپلماسی مورد بررسی قرار می‌گیرند. و بالاخره در بخش ششم سعی می‌شود، منابع موجود در باب سیاست خارجی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد، تا مشخص شود کدام یک از معرفت‌ها و رویکردها، تحصیلی یا تأویلی بر این آثار غالب هستند.

در پایان وظیفه خود می‌دانم از همکاران فرزانه‌ای که در بازنگری کتاب اینجانب را یاری رساندند و نیز از کارکنان سخت‌کوش نشر قومس، آقایان مهدی عباسی و احمد خدابخش مقدم که در ویراستاری و آماده‌سازی چاپ این کتاب زحمات زیادی متحمل شدند، صمیمانه تشکر و قدردانی نمایم.